

# نقش‌سیم

## و امید در زندگی انسان



سوره فرقان  
آیه‌های ۶۵-۶۶

نشانه‌های زندگی شایسته خدا

۶۵- وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ رَبَّ إِذَا مَسَّ عَذَابٌ مِنْهُمْ أَنْ يَدْعُوا بِهَا كَمَا يَدْعُونَ فِي سَاعَةِ الْوَجْدِ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ  
۶۶- أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ أَنَّ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ مَثَلًا  
۶۷- وَجَعَلَ لَكُمُ الْيَوْمَ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ

حرف و زحمت، بیم زاری و دعای روحی است که در تکلیف انسان پیش از توفیق دارد. هیچ نوع ترمیم و اصلاحی، بدون این نوع صورت نمی‌پذیرد. هر گاه امید به معرفت و آرزوی خدا در محیط روح انسان نباشد، هرگز بشر نمک اصلاح خویش نمی‌آید. و در نهایت، احساس و آرزوی خود را به می‌دهد، بلکه بر ضد خویش اثر می‌دهد آن را در چندان می‌کند.

اگر خوف و بیم در کار باشد، انسان خود را

مکتب اسلام

بسیار عصر به روی انسان برتر، در نتیجه خداوند و علوم الهی و مطابقت با این اذاعات می‌باشد. هر گاه اطاعت پیش نمی‌گیرد، و زنگنه اجتناب نمی‌ورزد. از این جهت زندگی معنوی انسانها در بر او امید تکامل پیدا می‌کند زیرا امید او را سوی عقده می‌کشاند، و امید است که باعث می‌شود انسان تصور نکند که در حقایق معرفت و آرزوی بروی او بسته است و همه نوع شایستگی و بارگشت به کمال از او سلب شده است. نیز در توبه و خوف است که خود

را از اطاعت و انجام وظیفه می‌بازداند. اگر سراسر کانون وجود بر روی راه نجات و امید قرار دهد، منصفه نخواهد رسید و پیمان‌کنندگان و ستم‌گزارانی خواهد بود که با تمام نجا و مظلومان خود را شایسته رحمت و مغفرت میدانند، دیگر چنین بر روی نه بفرامعات می‌اند و نه فکر دیگری از گناه همچنانکه اگر کانون وجود او را خوف و بیم و ناس و یونیدی فراگیری و دوزخه امیدی را به روی خود بازینند، دیگر جهت ندارند که از کارهای درشت خود دست بردارند.

امیرمؤمنان می‌فرماید: **لَوْلَا الْأَمَلُ، عَلِمَ الْإِنْسَانُ حَسَبَ مَا هُوَ فِيهِ، وَلَوْ عَلِمَ حَسَبًا هُوَ فِيهِ، خَاتَمُ الْهَوْلِ وَالْوَجَلِ (۱)**

یعنی اگر امید نبود انسان از وضع خود بیخبری آگاه می‌شد. و در این موقع از هول و ترس جان می‌سپرد. یعنی آنچه چراغ زندگی را بر او روشن نگاه میدارد نجات و امید است تا آنجا که چراغ زندگی بشر، حتی در جهان تجار و بازرگانی نیز بر محدود امید به سود و بیم از ضرر و زیان می‌گردد.

امیرمؤمنان می‌فرماید: حتی بهترین فرد استرا، از عذاب الهی ایمن نگذاید زیرا قرآنی فرماید: **فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَهُهُ إِلَّا الْمُؤْمِنُ الْخَائِرُونَ** از عذاب الهی جز زیانکاران کسی مطمئن نمی‌گردد و بهترین افراد، از رحمت خدا مأیوس نمی‌گردانند زیرا خدا می‌فرماید:

**وَإِنَّ لِلْيَأْسِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ الْآلِقَوْمِ الْكَافِرِينَ**

۱- سفینه البحار ج ۱ ص ۳۰  
۲- کلمات قصار شماره ۲۷۷

از رحمت خدا جگر گروه کافر کسی مأیوس نمی‌گردد (۲) عذاب دوزخ در آیه مورد بحث مظهر خوف و ترس از نایج اعمال است همچنانکه ترس از عذاب دوزخ، مایه تکامل بشر، و مایه خودداری و از اعمال ناشایست است که بر سر راه تکامل او قرار دارند. از این گذشته، بهشت و دوزخ دو مظهر تحقق بیم و امید در روح انسانی است. عدل الهی ایجاب می‌کند که سرانجام زندگی افراد مطیع و فرمانبردار، و عاصی و گناهکار یکسان باشد، و اگر ستمگری در این جهان فرضی بدست آورد، و مجتمع بشری را مورد تاخت و تاز قرار دهد، نباید آن را نشانه پیروزی باطل و ظلم، بر حق و عدالت تصور کرد، بلکه سر نوشت بس در دنیا کی در زمین این ستمگر است که توصیف آن در خود بیان مایست.

امیرمؤمنان می‌فرماید: **وَلَيْتَنِّي أَهْلُ اللَّهِ الْقَالِمِ فَلَنْ يَفُوتَ أَحَدُهُمْ فَهَوْلُهُ بِالْمِرْصَادِ عَلَى مَجَازِ طَرِيقِهِ وَ يَبْضِعُ الشَّحِيحُ مِنْ مَسَاغِ رِيقِهِ**

هر گاه خداوند به ستمگر مهلت دهد، او را راه نمی‌کند، و او در کمین طالم است و پیمان استخوانی که در گلو گیر کند و راه نفس را ببندد، راه برای او می‌بندد.

خلاصه، امید عملی است که زندگی و نظر تحرک می‌بخشد، و همچنین بیم از کفر، عامل باردارنده است که در موردی که ترم لازم بوده و مایه سعادت باشد، انسان را از پیروی هوی و هوس باز میدارد،

از این جهت قرآن مجید پیامبران را چنین معرفی می‌کند: «رُسُلًا مِمِّسِرِينَ قَوْلُهُمْ لِيَأْتِيَكَ بِكُلِّ آيَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى آيَةٍ بَعْدَ آيَةٍ» (ساع آیه ۱۶۵): پیامبرانی بشارت دهنده و بیم رسانان ناپس از عزام آنان حجت خدا، بر مردم تمام گردد.

\*\*\*

آیه مورد بحث چهارمین نشانه بدگان شایسته خدا را این می‌داند که در سیر زندگی به کبیره‌های الهی توجه پیدا کرده و پیوسته از او می‌خواهند که عذاب دوزخ در از آنان بر گرفته و ولی نماید و بد مقدود از این خواست چیست؟ هرگز مقصود این نیست که آنان تنها دعا می‌کنند ولی در مقدم عمل دست آنان در انجام گناه است. بلکه مقصود این امر است که با تمام عبادت و جود خود، از خداوند چنین چیزی را می‌خواهند، و نه تنها با زبان دعا می‌کنند، بلکه از طریق مجسود ساختن چشم و گوش و دست و پا از حرام، با تمام قدرت وجود خود، از خداوند می‌خواهند که آنان را عذاب دوزخ متلاسماره

یوسف صلیق و نه تنها از طریق زبان در خواست عبادت از گناه کرد و گفت: «وَدِدْتُ الْمَسْكِينَةَ الْخَمِيصَةَ» (سوره یوسف آیه ۲۳). پروردگارا! اگر آن برای من بهتر از آلودگی است بلکه همراه ادعای توبایی ما عمل نیز تمام دام‌هایی را که در پستان بر سر داده‌ای فراد داده بود درهم کنی و تسلیم دید شهوت نگردد، و زندان را بر گرفتاری در منجاب شهوت ترجیح داد.

کبیره‌هایی که در کمین گناهکاران است مجازات و کبیره‌هایی که دامگیر افراد می‌شود

بر سه نوع است:

### ۱- کبیره‌های فرار دادی

کبیره‌های فرار دادی، کبیره‌هایی است که از جانب قائلو نگذار، خواه خدا یا دیگری، برای گناه تعیین می‌گردد. و هدف از آن همان اصلاح اجتماع است

### ۲- کبیره‌های دنیوی:

مقصود از آن همان الروضعی گناه است که نخواهد یا خواهد دامگیر فرد گناهکار می‌گردد. مرد شرابخوار با نوشیدن اکل سلامت و تندرستی خود را به نظر اندکند، و در مینه بیماری‌های فراوانی را فراهم می‌سازند، چیزی که نمی‌کنند که با یکدیرم کرده و اعصاب گرفته و شرابان‌های تصلب یافته در گوشه بیمارستان می‌افتد. در این مورد برای کبیره و گناه اظه نویسد و او کش خواهد داد. یعنی کبیره، اثر توبیعی خود گناه است مثل دیگر، فشار موجب گسترش عداوت و نازا حتی اعصاب است اعمال مانی عفت سر انجام سازد آیه و عذرهای تو با کون در جانی سازد و در این موارد کبیره نتیجه و نه اصطلاح معلول خود گناه است و از آن تولید می‌گردد.

### ۳- کبیره‌ها اخروی

کبیره‌های اخروی همان است که پیامبران آسمانی از طرف خدا از ضربت وحی گزارش داده‌اند. از این نوع کبیره‌ها گناه تولید کننده کبیره نیست و هر گز میان کبیره و گناه رابطه تولید و واکنش نیست بلکه کبیره، عین همان عمل دنیوی است که ایثار مقصود را عرض کرده و بصورت آتش جلوه نموده است. این همان است که از آن بمسأله (تجسیم اعمال) تعبیر می‌آوردند.

بفهم در صفحه ۵

تلفن، با مطالعه سند مالکیت یک خانه، بانگاهی به  
 ناطقهای منصوب در سردر و درگاهها و ادارات  
 دولتی با نظری به اوراق يك روزنامه، کتاب علمی،  
 ادبی، تاریخی... تخلصه اگر در آنچه می گوئیم و  
 می شنویم می خوانیم دقیق شویم در می یابیم که لغات  
 و کلمات عربی آمیختن در فارسی چون نوشته ها و  
 گفته های فارسی زبانان جای گرفته که برداشتن یا  
 تعمیر آنها موجب گسستگی لسان امروز، آثار  
 لسان دیر خواهد شد.

با وجود این نگاه کسانی یافت می شوند که بعضی  
 مختلف زبان عربی دشمنی می ورزیدند گوشتندی  
 بهورده و گاهی زبان بخش هم می نمایند، دردهای  
 کوتاه از آنان می پرسیم: آیا یادگیری و نگه داری

آثار نوشته های بزرگان و سخنوران این مردودیم  
 که با کلمات فارسی و عربی بر صفحات کتابها نقش  
 بسته برای ما ضروری است یا نه؟ آیا برای نسل های  
 آینده لازم است که با آثار گرانمای علمی اجساد  
 خود مستقیماً آشنا شوند و بهره ببرند یا نه؟ در صورت  
 لزوم که شکلی در آن نیست آیا دشمنی با لغات و زبان  
 عربی، دشمنی غیر مستقیم با زبان و ادب فارسی نیست؟  
 با اصل موضوع بر گردیم یا این چهار دلیل که به  
 اختصار بیان شد لزوم در گرفتن زبان عربی برانگیزد  
 فارسی زبانان احدی واضح گردید. اکنون بنیمیم با  
 امواجین زبان و کلمات و مشتقات عربی چه نهیلاتی  
 در آموزش زبان فارسی پدید می آید.

شبهه ۵

این حقیقت علمی که امروزها بر سر زبانها افتاده  
 است، همان تبدیل انرژی به ماده است زیرا تبدیل ماده  
 به انرژی بسیار آسان و هر روز ما شاهد مایه های آن  
 هستیم، ولی تاکنون دیده نشده است که انرژی به ماده  
 و حرم تبدیل گردد ولی امکان آن نیز از نظر علمی نفی  
 نشده است.

برای او این از قرآن در تاریخ علم، پرده انرژی  
 این حقیقت برداشته و داشته و مکافات های انرژی  
 را از قبیل جسم اعمال و تبدیل اعمال بیک دانشان  
 بیادش دیگر عربی و جسمی، معرفی کرده است،  
 آیه ای که برای این حقیقت گواهی میدهد که برخی  
 از آنها را بیجا اشاره می شود:

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْتَضِرًا  
 وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ  
 أَمَدًا بَعِيدًا (آل عمران آیه ۳۰)

مکتب اسلام

روزی فرامی رسد که هر کس آنچه را که از  
 اعمال نیک و بد انجام داده است حاضر و آماده می  
 بیند، آرزوی کند ای کاش میان او و عملش فرستگاری  
 واسطه می بود.

در این آیه خداوند می فرماید: انسانها در روز  
 قیامت هر کس حاضر می بیند که کفر و توبه آرا،  
 نو گوئی خود عمل با وجود انرژی در برابر شخص  
 حاضر می گردد.

باز می فرماید: وَ كَرِهُوا مَا عَمِلُوا خَائِرًا  
 وَلَا يُظْلَمُونَ رَبِّكَ أَحَدًا (سوره کهف آیه ۴۹)  
 هر فردی اعمال خودش را حاضر نخواهد دید  
 و پروردگارتو بر احدی ستم نمی کند.

اینجا است که همگی باید بگوئیم: وَرَبَّنَا اصْرِفْ  
 عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا. إِنَّهَا  
 مَا رَا مِنْ دَرَجٍ بَرِهَان .